

بازخوانی تجربه باشگاه شاهین در تربیت بازیکنان تحصیلکرده و بااخلاق به بهانه افزایش بی‌اخلاقی در فوتبال

باشگاهی که پهلوی را از استادایوم فراری داد



گزارش یک سعید احمدیان

لیگ برتر فوتبال به هفته سوم تر رسیده پر شده از حواشی غیراخلاقی، آن هم در تربیت فوتبالیست‌هایی بااخلاق و تحصیلکرده بود، باشگاهی که سال ۱۳۳۱ تأسیس شدن بازیکنان بزرگی را به فوتبال ایران معرفی کرد اما سال ۱۳۴۶ با فشار سیاسی رژیم پهلوی منحل شد، باشگاهی که به زعم آنها آمانی شده بود برای دور هم جمع شدن مخالفان حکومت پهلوی.

اول اخلاق، دوم تحصیل، سوم ورزش

باشگاه شاهین ۲۱ تیر ۱۳۲۱ توسط دکتر اکرامی با شعار اول اخلاق، دوم تحصیل و سوم ورزش تأسیس شد و هیئت امنای آن مکتب آن را این گونه تصویب کردند، مرانمندی که گذشته‌های روزهای باشگاه‌هاست «باور ماوریم انسان محور توسعه‌است و پارشد و تعالی وی جامعه نیز متعالی خواهد شد. علم و تجربه می گوید جامعه‌ای متعالی تر است که افرادی خوشبخت‌تر، سعادت‌مندتر و سالم‌تر باشند. هرچه میزان احترام به قوانین و باورهای فرهنگی و اجتماعی، سطح دانش و معلومات و میزان سلامت جسم و روح در جامعه‌ای بیشتر باشد آن جامعه متعالی تر است. به همین اساس مکتب شاهین معتقد است اگر افراد یک جامعه دارای جسمی قوی‌تر و روحی متعالی تر باشند آن جامعه‌دارای شرایط مناسب‌تری برای رشد است. بنابراین کلیه فعالیت‌های ورزشی در این مکتب را با هدف تربیت افرادی متواضع و فروتن، با گذشت و ابتکار، جمع‌گرا و

گزارش ۲ دنیاچیدری

زشتی‌های فوتبال ایران و بیگانگی آن با مسائل اخلاقی سال‌هاست که

حسرت عدم تکرار اسطوره‌های چون پرویز دهداری را به رخ می‌کشد. بزرگسورد فوتبال ایران که در مکتبش هیچ موفقیت، امتیاز و پیروزی و قهرمانی به اخلاقیات ارجحیت نداشت و امر و جای خالی تفکرات تحسین برانگیز او چه به شدت در فوتبال ایران به چشم می‌آید!

■ ■ ■

بعد از گذشت سه دهه از فوت دهداری درست زمانی که گوش‌هایمان از شنیدن فحش‌های رکیک که سرمربیان تیم‌ها به زبان می‌آورند سوت می‌کشد پیش از هر زمان دیگری حسرت عدم تکرار چنین مردی را در فوتبال ایران می‌خوریم. مردی که هیچ چیزی برایش فراتر از و پهلوانی و اخلاق‌مداری قوانین خاص خودش را داشت که بر پایه اصول اخلاقی بنا نهاده شده بود. برای نمونه در تیم جوان‌گارد که بود، تأکید داشت بازیکنی (هر بازیکنی که می‌خواست باشد) در طول یک بازی به داور اعتراض کند از بازی بعد محروم می‌شود و بر این باور بود که این کار در حفظ کنترل اعصاب بچه‌ها بسیار سودمند است. به همین دلیل هم در بازی با پرسپولیس محمود بیداریان، کاپیتان و مهم‌ترین بازیکن تیمش در خط دفاعی را بازی نداد و شکست ۸- صفر مقابل سرخیوشان و همچنین حرف و حدیث‌های بعدی که گفته بودند به دلیل شاهینی و پرسپولیسی بودنش به سرخیوشان که در کورس رقابت با تاج بود باخته را به جان خرید.

■ ■ ■

شاید کسی تصورش را هم نمی‌کرد پرویزی که بی‌بی کوچک در مردگشت به دنیا آورد و ۶۰ روز بعد از تولد به آیدان برگشت و در محله پهنمش (کوی کارگر) بزرگ شد یک روز به اسطوره اخلاق فوتبال ایران تبدیل شود. به مردی که یک‌تنه برابر بازیکن سالاری بایستد و خم به ابرو نیاورد. آن هم برابر بازیکنان بزرگی

فداکار، سرلوحه کار خویش قرار داده و معتقدیم با انجام این‌گونه فعالیت‌های هدفمند، جسم و روح تقویت شده و موجب افزایش اعتماد به نفس و ظهور استعدادهای افراد گردیده که خود در افزایش حس مسئولیت‌پذیری مؤثر بوده و شرایط را برای موفقیت در سایر امور خطیر زندگی از جمله کسب معلومات و تحصیلات فراهم کرده و نهایتاً موجب افزایش درک لزوم احترام به قوانین و باورهای فرهنگی و اجتماعی، حفظ حرمت و حقوق دیگران و جلوگیری از رفتارهای هنجارشکن می‌گردد. بنابراین در مکتب شاهین جایی برای تربیت نیروی انسانی از منظر قدرت بدنی و کسب مهارت‌های ورزشی کلاسیک و حرفه‌ای بدون توجه به حفظ ارزش‌های اخلاقی وجود ندارد. در این راه استفاده از فرهنگ پهلوانی و جوانمردی شامل تقوا، ایمان، ادب، آزادگی، تعهد، صداقت، شهامت، عفت، ایثار، شجاعت، طهارت، صبر و حیا در تعالیم مکتب شاهین نقشی درخور بازی می‌کند.»

حسین کلانی از پیشکسوتان باشگاه شاهین و پرسپولیس در گفت‌وگو با «جوان» در این باره می‌گوید: «باشگاه شاهین توسط یک دانشگاهی شکل گرفت و به همین خاطر بچه‌هایی که علاوه بر استعداد درسی، استعداد ورزشی هم داشتند را در مدارس می‌مانند البرز و… پیدا کرد و با آنها باشگاه را تشکیل داد. در درجه اول به درس بازیکنان اهمیت داده می‌شد و حتی در تمرینات یک ربع تا نیم ساعت وقت گذاشته می‌شد تا بچه‌هایی که در یک زمینه درسی قوی‌تر هستند یا بچه‌هایی که در آن زمینه ضعیف‌تر بودند، کار کنند. مدیران باشگاه به مدارس و دانشگاه‌های بازیکنان سرکشی می‌کردند و گزارش درسی‌شان را می‌گرفتند، تبدیری که باعث رشد تحصیلی

بچه‌های می‌شد. اسم باشگاه شاهین را به دلیل اینکه همواره کتاب دست بازیکنان بود، باشگاه کتابی‌ها گذاشته بودند و این خودش یک الگو می‌شد برای بقیه جوانان که اگر درس بخوانند مثل بچه‌های باشگاه شاهین می‌شوند و مورد توجه مردم قرار می‌گیرند و محبوب می‌شوید.»

چرا شاهین موفق شد

موفقیت شاهین که به پایه اخلاقمندی شکل گرفت، دلایل زیادی داشت. دکتر اکرامی مؤسس باشگاه این‌گونه درباره آن نوشته است: «هر کار که بر پایه عشق، اعتقاد، ایمان و کاردانی و برنامه شروع شده و با استفاده از ابزار و امکانات لازم و وجود صبر و استقامت ادامه یابد قطعاً موفق خواهد شد. باشگاه شاهین با توجه به همین عوامل شکل گرفت و شروع کار بر اساس شوق و انگیزه خدمت بود. من خودم



محبوبیت شاهین برای حکومت پهلوی قابل تحمل نبود، به خصوص که شاهین شریطی دانشجویی داشت و منشأ اعتراضات سیاسی آن زبان هم اکثراً از دانشگاه بود. نهایتاً در یک برهه زمانی نادیده این‌که این مسئله را خاتمه بدهند با گزارشی مفرضانه آن را به رده بالای حکومت رساندند تا حکم انحلال باشگاه شاهین صادر شود



پرونده

بررسی عمل بی‌اخلاقی در فوتبال

تابستان همه بدون استثنا قبول شدند و از خانواده‌های خود و باشگاه جایزه گرفتند.

علت دیگری که موجب پیشرفت و رونق باشگاه ما شده بود این بود که اعضای اولیه که از لحاظ اخلاق، رفتار و عشق به کار با دقت زیاد انتخاب شده بودند تبدیل به سرمشق تازه‌واردان شدند. این مسئله محیط باشگاه را سالم و برای تربیت آماده کرده بود. این مسئله برای همه روشن است که در هر جامعه‌ای داشتن نمونه و سرمشق به منظور حفظ و تقویت عزت نفس جوانان از بزرگ‌ترین الزامات است… همکاری و از خود گذشتگی افراد به جایی رسیده بود که بازیکنان و قهرمانان بلندپایه باشگاه به اصرار از من می‌خواستند بعضی از جوانان بااستعداد را به جای خودشان در مسابقات شرکت دهند. در آستانه انحلال یکی از وظایف قهرمانان شاهین این بود که بگوشتند جانشینی برای خود تربیت کنند و از این راه موجب رونق باشگاه خود شوند. هر بازیکن هر چه را می‌دانست به آنکه آن را نمی‌دانست می‌آموخت.»

باشگاهی که پایگاه مخالفان پهلوی بود

محبوبیت شاهین در بین مردم و دانشجویان باعث داخوری رژیم پهلوی بود. زمانی که باشگاه‌های تاج و دارایی وابستی زیادی به رژیم داشتند شاهین نمادی از همراهی با مردم بود. بخش عمده هواداران شاهین و حتی شخص اکرامی ضدحکومت وقت به حساب می‌آمدند و مردم کوچک و خیابان، شاهین را مرکز جریان ضدشاهنشاهی می‌دانستند.

ضدحکومتی بودن باشگاه شاهین و شعار تماشاگران این تیم علیه شاه سبب شد تا او در جریان یکی از مسابقات فوتبال مجبور به ترک استادیوم شود. در مراسم بازگشایی مسابقات قهرمانی کشور سال ۱۳۴۲ که پیش از بازی دارایی – شاهین در حضور شاه در ورزشگاه امجدیه برگزار شد، گروهی از هواداران شاهین فریاد می‌زدند «شا» و بلکه بر عکس ایشان را به کسب علم و دانش برمی‌انگیزد و مصمم‌تر می‌کند. ورزش باعث بروز عواطف و احساسات ایشان گردیده و موجب تربیت کامل آنان می‌شود.

علت دیگر آن بود که کار باشگاه را با همکاری خانواده‌ها و مدرس شروع کردیم. مسئولان باشگاه با افراد خانواده و مدیران و معلمان در هر کار و در هر مورد همکاری همراه با یکدیگر بودیم و همه یک چیز می‌خواستیم و به یک طریق عمل می‌کردیم. تکلیف بازیکنان روشن بود، مزاحمی نداشتیم و تمام انرژی و وقت خود را صرف تربیت و پرورش بازیکنان می‌کردیم. انضباط محکم و سنجیده بود و باعضای باشگاه مانند انسان‌های کامل رفتار می‌شد

و موفقیت بازیکنان چشمگیر و درخور ملاحظه بود و این خود موجب انگیزه بیشتر آنان می‌شد. کار باشگاه برای همه اعم از بازیکن یا مربی رضایت خاطر و شادی به ارمان می‌آورد.

همکاری، کمک به یکدیگر و رفع نواقص به عنوان یک سرشت در تمامی بازیکنان جا افتاده بود و همه با هم و به خاطر یکدیگر می‌کوشیدند و همه از این همکاری بهره‌مند می‌شدند. در یکی از تابستان‌ها پس از بررسی کارنامه‌های تحصیلی معلوم شد که ۲۶ نفر از بازیکنان در یک یا دو درس تجدیدی دار ند، برای رفع این عیب سازمانی به وجود آمد و برنامه‌ای برای جبران عقب‌افتادگی اجرائی می‌شد. بر این اساس قرار شد هر بازیکنی موضوعی را که می‌داند به آنکه نمی‌داند تعلیم بدهد و اشکالات به وسیله سرپرست‌ها و مربیان کلاس برطرف شود. در پایان

قدم در زندگی برای شاگردانش معنا می‌کرد و به آنها می‌آموخت که فوتبال تنها یک بازی برای کسب برد و باخت و امتیاز نیست. بلکه بازی انسانیت است و کسی در این نبرد پیروز میدان است که اخلاق و انسانیت را ببرد نه نتیجه و ۳ امتیاز آن را. او شاید ۳ امتیازهای زیادی را از دست داد اما هرگز انسانیت را نباخت. نه وقتی مستأجرش شرم‌منده از او خواست تا به دلیل کار نکردن کراهش را در بتر پرداخت کند و او هر چه در جیب داشت روی میز گذاشت و گفت این ماه را با همین حقوق با هم سر می‌کنیم. نه وقتی پیشنهاد مالی تیم بنیاد شهید را رد کرد و گفت از بچه‌های شهدا پولی نمی‌گیرد. نه وقتی یک‌تنه برابر ۱۴ ابرقدرت تیم ملی ایستاد، نه زمانی که به نامزدی بابت باخت بر گل به پرسپولیس زیر سؤال برده شد و نه حتی وقتی که با دست خالی از ستول بازگشت. دهداری هرگز انسانیت را نباخت که اگر باخته بود بعد از سه دهه هنوز هم فوتبال ایران در حسرت عدم تکرار چون او و تفکرات او نمی‌سوخت!

■ ■ ■

امروز اما فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری به کسی چون دهداری نیازمند است. به انسانی که نه پول و نه شهرت و نه ۳ امتیاز و نه حتی موفقیت و قهرمانی و برد که انسانیت و اخلاق‌مداری برایش مهم باشد در راه آموختن آن‌ها قدم بردارد اما آیا دیگر مردی در این فوتبال قدم به عرصه ظهور می‌گذارد که یکی چون مهدی مناجاتی در تشییع او در امجدیه فریاد بزند بلند شو که که دشمنانت نیز امروز در حال گریه کردن هستند! هنوز هم صدای مهدی مناجاتی را بسیاری به خاطر دارند و چه چیز می‌تواند برای یک انسان ماندگارتر از این باشد که در غم فراغش دشمنانش هم اشک بریزند و سال‌ها بعد از دست‌دانش حسرت عدم تکرارش را بخورند و چه چیز می‌تواند امروز برای فوتبال ایران لازم‌تر از یک دهن‌داری دیگر باشد که یک‌تنه برابر تمام بی‌اخلاقی‌ها قلم‌عقد کند و درسی تازه بدهد از اخلاق‌مداری که دیگر صورت‌ان ز شنیدن حرف‌ها سرخ نشود و گوش‌هایمان سوت نکشد؟

هم، مثل تو، بازیکن تیم ملی یک سرزمین است. ملتی منتظر دین درخشش و شایستگی او هستند. از آن گذشته، او پدر دارد، مادر دارد، احتمالاً زن دارد، بچه دارد، خویشاوند دارد، آنها دارند بازی را می‌بینند، منتظرند ببینند فرزندشان، همسرشان یا پدرشان در

نگاه

وقتی کرونا

واقعیت‌های تلخ را رومی کند

شبنوا نوروزی

خالی بودن ورزشگاه‌ها از تماشاگر هم برای هواداران گران تمام شده و هم برای فوتبالی‌ها. در حالی که دوری از سکوها برای فوتبال‌دوستان آزاردهنده است خالی بودن سسکوها کار را برای مربیان، بازیکنان و اطرافیانشان حسابی سخت کرده چراکه آنها علاوه بر اینکه باید مراقب مسائل فنی و گل‌زدن و گل نخوردن باشند، باید شش‌دانگ حواسشان را جمع کنند تا ناغافل صدایشان هنگام مخاطب قرار دادن یکدیگر پخش نشود. در این قضیه هم کم‌کاری مدیران فوتبال کاملاً مشهود است. الفاظی که سرمربی استقلال پس از شکست تیمش به کار برد در واقع همان واقعیت تلخی است که به لطف سکوت تحمیلی کرونا به گوشمان رسید. تا قبل از این ویروس منحوس نگاه‌ها معطوف به تماشاگرانی بود که با شعارهای تند نسبت به اتفاقات داخل و خارج زمین واکنش نشان می‌دادند ولی حالا شرایط جور می‌شده که به راحتی مکالمه افراد حاضر در ورزشگاه به گوش می‌رسد. بحث‌های مطرح شده در روزهای گذشته اصلاً تلاریک نباشد و فقط واقعیت‌های موجود به صورت واضح پخش شد. علت اینکه سرمربی یکی از قطب‌های فوتبال پس از باخت توانایی کنترل عصبانیت و ناراحتی‌اش را ندارد و با فحاشی این مسئله را نشان می‌دهد را باید در مدیریتنی جست‌وجو کرد که اخلاق‌اهمیتی برایش ندارد. صدا و تصویر محمود شاهین همه جا پخش شده در حالی که اوضاع و احوال دیگر مربیان هم بهتر از او نیست. در این سال‌ها که از لفظ «حرفه‌ای» برای فوتبال ایران استفاده شده مدیران این رشته چه در فدراسیون و چه در باشگاه‌ها به همه چیز فکر کرده‌اند الا اخلاق! خلأآموزه‌های اخلاقی سال‌هاست به شدت در فوتبال کشورمان احساس می‌شود و این خلأ ریشه در مدیریت مدیران ضعیف و بی‌اراده‌ای دارد که جز به کسب جام و امضای قرار داده‌های میلیاردی به چیز دیگری فکر نمی‌کنند.

فحاشی سرمربی لیگ برتری باید بررسی و محرومیت جزیمه صورت‌آورد برای فرد هتاک صادر شود اما این نباید باعث شود که مسیبان بی اخلاقی‌های گسترده در فوتبال از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. پیش از این هم اخبار حواشی زیادی در خصوص مدددهنی فوتبالیست‌ها و برخی مربیان مشهور مطرح شده بود ولی هیچ‌کس به خودش رحمت ریشه‌یابی این بی‌اخلاقی‌ها را نداده است. وقتی در رأس یک هرم رؤسا و مدیران اصول اولیه اخلاقی و حرفه‌ای را رعایت نکنند، با آموزش منش قهرمانی و پهلوانی به نسل‌های بعدی اهمیت ندهند و لیبر پروری را باب کنند چطور می‌توان انتظار داشت سرمربی جوان ادب را رعایت کند و بازیکن جوان‌تر بزرگ‌تر را نگاه دارد؟! استرام، اخلاق و منش پهلوانی گذشته‌های بزرگ فوتبال ایران هستند که برای پیداکردن دوباره آنها باید آموزش‌های فرهنگی را در اولویت قرار داد. این وظیفه‌ای است در دوش مدیران باشگاه‌ها و فدراسیون که قصور زیادی در این زمینه داشته‌اند.

حاشیه



اعتراض‌های غیر قابل کنترل!

اشرف رامین

حواشی فوتبال ایران تنها به هتاک و فحاشی ختم نمی‌شود. متأسفانه فعالان این رشته از مدیر و مربی گرفته تا بازیکن کنترلی روی اعصاب خود ندارند و با کوچک‌ترین مشکل یا باخت، کاسه، کوزه را سر داوران و سایرین می‌شکنند. نکته حائز اهمیت انتقال حواشی و عصبانیت به داخل زمین و از کنترل خارج شدن در جمع مربیان وطنی نمونه‌های زیادی را می‌توان نام برد. در همین هفته اول لیگ برتر بر حیدریاتلو که اتفاقاً قب جوان‌ترین مربی این فصل را نیز بدگ می‌کشد بعد از اینکه ماشین‌سازی در نخستین گام تن به شکست ۲- صفر داد، زهره هراتیان رئیس ایفملر کار را با لحنی تند و توهین‌آمیز خطاب قرار داد: «حساب کنید یک خانم برای فوتبال ما تصمیم می‌گیرد.» علاوه بر این مربیان ایرانی عادت کرده‌اند به هر سوت داور واکنش نشان دهند؛ عادتی که باعث اخراج یحیی گل‌محمدی در بازی با صنعت نفت آن هم در دقیقه ۹۴ بازی شد. سرخیوشان از حریف پیش بودند و گل محمدی اگر چند ثانیه دیگر خودش را کنترل می‌کرد در بازی سوم تیمش از ششتن روی نیمکت محروم نمی‌شد. یکی از بداخلاقی‌هایی که هنوز در خاطر هواداران است رفتار تند سرمربی پیشین تراکتورسازی در مقابل جام حذفی بود. ساکت الهامی از ابتدای دیدار با استقلال در کنار زمین با رفتارهای تنش‌آز بازی را به جنجال کشید و در نهایت از روی سکوها شاهد قهرمانی تیمش بود. اگر بخواهیم به مربیان دافماً معترض اشاره کنیم باید از فرهاد مجیدی هم اسم ببریم؛ او از زمانی که سرمربی استقلال شد در جریان بازی‌های مختلف به سرت عصبانی می‌شد و عصبانیتش را مستقیماً به شاگردانش منتقل می‌کرد. ضمن اینکه مجیدی بد طولانی هم در اعتراض به داوران داشت و حتی بعد از گرفتن کارت قرمز هم کسی جلودارش نبود.